

حکومت باید ناز مردم را بخرد

سخنگوی جبهه اصلاحات درباره نحوه
کنشگری این جریان در انتخابات 1402
می‌گوید

برای اعتماد از دست رفته

هیچ‌کدام از ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات کد
رهگیری دریافت نکرده‌اند

جریان حتی‌ه برای فتح بهارستان دورخیز کرده است

مهدی بیک اوغلی

اگر اتمسفر سیاسی کشور را ذیل 2جریان اصلی و اثرگذار «راست و چپ» یا «اصولگرا و اصلاح‌طلب» تعریف کنیم، در آن صورت نحوه کنشگری هرکدام از این طیف‌ها و جناح‌ها دارای اهمیت خواهد بود. هرچند ظهور نسل Z و دوران شبکه‌های اجتماعی باعث شده برخی تحلیلگران از پایان کنشگری سیاسی سنتی سخن بگویند، اما واقعیت آن است هنوز جایگزینی برای این دو جریان سیاسی در ایران نمی‌توان متصور شد. برخی تحلیلگران معتقدند هرکدام از این دو جریان که بتوانند، نسبت نزدیک‌تری میان گفتمان خود و نسل‌های جدید شکل دهند از اقبال بیشتری برخوردار خواهند شد.

جریان اصلاحات به عنوان نماد چپ مدرن در ایران که پس از انتخابات سال 76 و پیروزی سید محمد خاتمی گفتمانی متفاوت را در فضای سیاسی کشور شکل داد، تاریخ پر فراز و فرودی را از سال 57 تا به امروز پشت سر گذاشته است. تکیه بر شعارهایی چون مشارکت زنان، شایسته‌سالاری، تنش‌زدایی، مردم‌سالاری، تخصص‌گرایی و... به عنوان مهم‌ترین شعارهای این جریان، اصلاح‌طلبان را در نزدیک‌ترین فاصله با نسل‌های جوان قرار داده است. معادله نظارت استصوابی اما همچنان مهم‌ترین مانعی است که میان اصلاح‌طلبان و گروه‌های سمپات آنان فاصله

انداخته است. طیف‌های رادیکال جناح راست به درستی دریافته‌اند که حضور چهره‌های اصلی اصلاح‌طلب، هرگز فرصتی برای فتح و پیروزی در اختیار آنان قرار نمی‌دهد؛ این‌گونه است که امید به استصواب بسته‌اند، حتی اگر به قیمت کاهش مشارکت و از میان رفتن شور و نشاط انتخاباتی تمام شود. برای آگاهی از کم و کیف دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان گفت‌وگویی را با جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات ترتیب دادیم تا درباره فضای انتخابات و راه‌های افزایش مشارکت بحث و تبادل نظر کنیم. امام با اشاره به اظهارات چهره‌هایی مانند غلامعلی حداد عادل و... معتقد است اصولگرایان به دنبال انداختن توپ کاهش مشارکت به زمین اصلاح‌طلبان هستند. رویکردی که از منظر این فعال سیاسی نتیجه‌ای برای آنان در پی نخواهد داشت.

با قانون جدید انتخابات مصوب مجلس یازدهم، فضای خاصی در انتخابات شکل گرفته است. تحلیل شما از قانون انتخابات و اتمسفر پیرامونی آن چیست؟

به نظر می‌رسد، برخی افراد و جریان‌ها به عمد شرایطی به وجود آورده‌اند تا انگیزه مردم برای حضور در انتخابات کاهش یابد. این جریان‌ها نگران هستند که اگر بستر برگزاری يك انتخابات آزاد فراهم شود، مشارکت‌ها افزایش یافته، زمینه توفیق این جریان اقتدارگرا فراهم شود. این جریان‌ها تمامیت‌خواه، سایر افراد و گروه‌های سیاسی را حذف کرده تا مردم میلی به حضور در انتخابات نداشته باشند و فرصت برای پیروزی این طیف فراهم شود. طبیعی است اگر زمینه مشارکت مردم در انتخابات فراهم شود، گفته حدادعادل برای شکل‌گیری مجلسی انقلابی‌تر از مجلس یازدهم عملی نمی‌شود. نمایندگان که در مجلس یازدهم هستند نسبتی با مطالبات اکثریت جامعه ندارند. عملکرد دولت انقلابی و مجلس انقلابی هم در حوزه‌های مختلف به تصویر کشیده شده است. عملکرد دولت و مجلس در حوزه معیشت و مشکلات اقتصادی است که مردم را به چاه‌های ویل فقر کشانده است. حکومت اگر واقعا به فکر انتخابات حداکثری است باید در درجه نخست اعتماد از دست رفته مردم را باز می‌گرداند، نه اینکه به سمت محدودیت‌ها و فیلترینگ بیشتر حرکت می‌کند و رویه‌های غلطی که مورد نقد و اعتراض جامعه است را به قانون بدل کند. مردم امروز انتقادات زیادی به عملکرد مجلس و دولت انقلابی دارند. این ساختار یک‌دست اعتماد مردم را از میان برده، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را از آنها سلب کرده و فشارهای معیشتی دامنه‌دار را برآنان وارد ساخته است. کافی است آمارهای مهاجرت از ایران بررسی شود تا متوجه عملکرد مسوولان شد و درك کرد که مردم با

چه دشواری‌هایی دست به گریبانند. مهاجرت از ایران دیگر مختص به نخبگان و استعدادها نیست، بسیاری از صاحبان سرمایه و کسب و کار، متخصصان و مردم عادی راهی سایر کشورها میشوند تا به عنوان يك شهروند زندگی عادی را تجربه کنند.

شما می‌گویید، « نمی‌گذارند»، اما چه کسانی نمی‌گذارند؛ آیا از کلیت سیستم صحبت می‌کنید یا جریان خاصی که خود را فراتر از قانون می‌داند؟ چون راس هرم تصمیم‌سازی در این کشور تا به امروز 3 بار از ضرورت برگزاری انتخابات رقابتی، آزاد و سالم سخن گفته است.

به هر حال جریانی خاص که برگرفته از رویکرد فکری جریان مصباح و انجمن حجتیه است، امروز سکان هدایت ساختار مدیریتی کشور در بخش‌های اجرایی، تقنینی و مدیریتی کشور را به دست گرفته است. با تسلط این جریان نه تنها موضوعیت انتخابات از بین رفته و بی‌معنی شده، بلکه نهادهای انتخاباتی هم از کارکرد اصلی خود دور شده‌اند. آقایان طرحی را در مجلس برای اصلاح قانون انتخابات پیش برده‌اند که قبلاً با اصرار نمایندگان به مجمع رفته بود، سپس بدون بازگرداندن این قانون و پند گرفتن از آن، مجدد بررسی و به صورت ضرب‌الاجلی این قانون تصویب شد تا زمینه مشارکت به حداقل برسد و افراد دارای مقبولیت وارد صحنه نشوند.

چرا فکر می‌کنید این قانون ضد مشارکتی است؟

دلایل زیادی وجود دارد؛ مثلاً در قانون جدید بحث پیش ثبت‌نام‌ها گنجانده شده است، بدون اینکه زمینه‌های آن فراهم شده باشد. در قانون جدید آمده، افرادی که پیش‌ثبت‌نام می‌کنند باید کد رهگیری دریافت کنند. اما هیچ‌کدام از ثبت‌نام‌ها تا به امروز با کد رهگیری نبوده است. این در حالی است که بر اساس قانون جدید پیش‌ثبت‌نام بدون دریافت کد رهگیری به منزله رد ثبت نام است. از سوی دیگر اسم این مرحله را پیش‌ثبت‌نام گذاشته‌اند، اما در واقع ثبت‌نام نهایی است، چون افرادی که از این مرحله عبور نکنند، نمی‌توانند در مراحل نهایی انتخابات ورودی داشته باشند. ثبت‌نام در شرایطی آغاز شده که دعوت از معتمدان صورت نگرفته است. ضمن اینکه هنوز هیات‌های اجرایی انتخابات شکل نگرفته‌اند. همه این کاستی‌ها بر اثر تصویب قانون انتخابات با عجله و با اهداف خاص است. این روند ایجاد شده، چون جریان تمامیت‌خواه می‌داند مشارکت بالا به معنای شکست آنهاست، بنابراین تلاش می‌کند تا زمینه کاهش مشارکت در انتخابات را فراهم سازد. از این منظر هرآنچه راه برای حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات

وجود داشت، مسدود شده است، بعد انتظار دارند اصلاح‌طلبان با دست بسته و ذیل شرایطی که تناسبی با مطالبات مردم و حقوق اساسی ملت ندارد، اجباراً مردم را دعوت به حضور در انتخابات کنند. اما همه باید بدانند مردم با دعوت هیچ فرد و جریانی وارد انتخابات نمی‌شوند. مردم آگاهند و تنها زمانی در انتخاباتی شرکت می‌کنند که احساس کنند حضورشان تعیین‌کننده و اثرگذار است. اگر قرار باشد، اعتماد از مردم سلب شود و حکومت هم هیچ تلاشی برای بازگشت اعتماد از دست رفته مردم نکند، مردم خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند.

برخی چهره‌های اصولگرا این روزها قصد دارند توپ عدم مشارکت در انتخابات را به زمین اصلاح‌طلبان بیندازند. غلامعلی حدادعادل اخیراً اعلام کرده که اصلاح‌طلبها فعلاً ناز کرده و نهایتاً هم در انتخابات شرکت می‌کنند. واقعا این‌گونه است؟

اصلاح‌طلبان ناز نمی‌کنند، بلکه در حال تشریح و تحلیل واقعیت‌های موجود هستند. تلاش می‌کنند حجت را تمام کرده و به حاکمیت نشان دهند انتخابات و جمهوریت چه ملزوماتی دارد و حاکمیت چگونه می‌تواند مردم را با خود همراه کند. حداد عادل می‌گوید اصلاح‌طلبان، اول ناز کرده و بعد شرکت می‌کنند! لازم نیست ناز اصلاح‌طلبان را بخرد، حاکمیت باید ناز مردمی را بخرد که در همه برهه‌ها از کشور و جمهوری اسلامی دفاع کرده‌اند اما امروز در شرایط دشوار اقتصادی، ارتباطی، اجتماعی و... قرار دارند و محدودیت‌های فراوانی از سوی سیاستگذاران پیش پای آنان قرار داده شده است. نظرسنجی‌ها حاکی است وضعیت انتخابات 1402 در امتداد وضعیت انتخابات سال‌های 1400 و 98 خواهد بود.

اما پس از رخدادهای اعتراضی 1401 بسیاری از متولیان و تصمیم‌گیران کشور به مردم وعده اصلاح روند موجود را دادند. پس از این وعده‌ها بسیاری از فعالان سیاسی از مردم خواستند تا خیابان را ترک کرده و مطالبات خود را از طریق روش‌های مدنی و انتخاباتی دنبال کنند. آیا این وعده‌ها محقق شده است؟

نه تنها وعده‌های اصلاحی حکومت محقق نشده است، بلکه در بخش‌هایی چون فیلترینگ، قانون جدید انتخابات، قانون حجاب و عفاف و... بر حجم محدودیت‌ها افزوده شده است. به نظر می‌رسد، نوعی لجبازی با مردم در سیستم شکل گرفته؛ این روند در نقطه مقابل جمهوریت نظام است. جریان اصلاح‌طلب نسبت به این شرایط نگران است، این جریان به دنبال براندازی نیست، اما احساس می‌کند که این رفتارهای حاکمیتی، نوعی

خودبراندازی است. قوانین جدید، نوعی خودتحریمی است. برخی جریان‌ها قصد دارند هزینه و مسوولیت تحریمی که خودشان رقم زدند را به گردن اصلاحات بیندازند. بر این اساس است که رادیکال‌های راست اخبار کذبی در خصوص اختلاف در اردوگاه اصلاحات منتشر می‌کنند. اما جریان اصلاح طلب به‌رغم همه مشکلات، منسجم و همراه به دنبال پیگیری مطالبات مردم هستند. جریان مقابل اما تنها تلاش می‌کند زمینه پیروزی يك اقلیت خاص را فراهم کند که نه مردم را می‌بیند نه سلیق مختلف را بر می‌تابد و نه اساساً به رای مردم و جمهوریت اعتقادی دارد. چهره‌های اصولگرا تلاش می‌کنند مشکلات انتخابات را متوجه اصلاح‌طلبان کنند اما مسوولانی باید پاسخگویی وضعیت فعلی کشور باشند که بر خلاف مسیر مردم و قانون اساسی حرکت می‌کنند.

برخی معتقدند در برخی لایه‌های سیاستگذار کشور، دست‌هایی در کار است که سیستم را به سمت وادی‌های خطرناک رهنمون سازد. حتی با محاسبه‌های بسیار ساده هم می‌توان متوجه شد که چنین مسدودسازی‌هایی در مسیر کنشگری‌های معقول مردم باعث فوران مطالبات عمومی خواهد شد. نظر شما درباره این خودتحریمی‌ها چیست؟

آقای خاتمی به عنوان یکی از دلسوزان کشور، رییس‌جمهور سابق و رهبر جریان اصلاحات تمام حجت کرده‌اند. بیانیه اخیر جبهه اصلاحات هم در همین راستاست، اما توجهی به این هشدارها نمی‌شود. وقتی صحبت از بسترهای افزایش مشارکت در انتخابات می‌شود، می‌گویند که اصلاح‌طلبان ناز می‌کنند! دوستان، شهروندان جامعه را به رسمیت نمی‌شناسند، حاکمیت بر سرنوشت مردم را قبول ندارند و از مشارکت بالا می‌ترسند، بعد اصلاحات را مسوول مشکلات معرفی می‌کنند.

مانند بسیاری از برهه‌ها رخدادهای عجیبی در فضای درونی و بیرونی شکل گرفته است. امریکا بر حضور نظامی خود در خلیج فارس افزوده است. رقباتی ایران در حال سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های گسترده هستند و دورنمایی از لغو تحریم‌ها مشاهده نمی‌شود. در سطوح داخلی هم، روند نزولی شاخص‌های اقتصادی ادامه دارد در سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و... هم مشکلات زیادی به چشم می‌خورد. سیستم برای عبور از این چالش‌ها چه باید بکند؟

هرحکومتی با تکیه بر مشارکت‌های عمومی است که می‌تواند چالش‌هایش را پشت سر بگذارد. حکومت‌ها هر اندازه از مردم‌شان دور شوند با تهدیدات جدی‌تری مواجه می‌شوند، به این دلیل است که در دوران مدرن، جمهوریت طراحی شد تا هر چند سال يك بار ساختارهای تصمیم‌ساز در

معرض رای عمومی مردم قرار گرفته و محک زده شوند. امیدواریم که حاکمیت ایران هم مطالبات مردم را در راس قرار داده و زمینه مشارکت آنها را فراهم سازد.

با این توضیحات می‌توانید شفاف بگویید راهبرد اصلاح‌طلبان در انتخابات 1402 چیست؟

راهبرد اصلاح‌طلبها در این دوره از انتخابات که در بیانیه جبهه اصلاحات هم مورد تاکید قرار گرفت، راهبرد 15 بندي سيد محمد خاتمي است. امیدواریم حاکمیت بندهای این بیانیه را مورد توجه قرار داده و زمینه ارتباط نزدیک با مردم و مطالبات مردم را فراهم سازد.

مهم مردم هستند نه اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و... اگر این احزاب اهمیت و ظرفیتی دارند در نزدیکی به مطالبات مردم است. اگر قرار باشد هزینه عدم مشارکت مردم در انتخابات به گردن اصلاح‌طلبان بیفتد ابتدا باید زمینه‌های مشارکت فراهم شود، بعد مسوولي براي موضوع مشارکت تعیین شود. البته مردم کاملاً آگاهند و میدانند کدام دسته، گروه و جریان، تمامیت‌خواه هستند و مطالبات آنها را کنار گذاشته‌اند.

راهبرد اصلاح طلب ها در این دوره از انتخابات راهبرد 15 بندي سيد محمد خاتمي است

جریان اصلاح طلب به دنبال براندازی نیست، اما احساس می کند که برخی رفتارهای حاکمیتی، نوعی خودبراندازی است

مهاجرت از ایران دیگر مختص به نخبگان و استعدادها نیست، بسیاری از صاحبان سرمایه و کسب و کار، متخصصان و مردم عادی راهی سایر کشورها می شوند تا به عنوان یک شهروند زندگی عادی را تجربه کنند قانون جدید آمده، افرادی که پیش ثبت نام می کنند باید کد رهگیری دریافت کنند، اما هیچ کدام از ثبت نام ها تا به امروز با کد رهگیری نبوده است

حکومت ها هر اندازه از مردمشان دور شوند با تهدیدات جدی تری مواجه می شوند

وقتی صحبت از بسترهای افزایش مشارکت در انتخابات می شود، می گویند که اصلاح طلبان ناز می کنند!